

دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

مسئولیت کیفری بین الملل



پښتونستان کالج علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

بحث ما، به بررسی کلی مسأله مسئولیت کیفری بین المللی، در قلمرو حقوق بین الملل جزا اختصاص یافته است. رسالت اصلی حقوق بین الملل جزا با قواعد و مقررات ماهوی و شکلی خود و به عنوان «بازوی مسلح» نظام حقوقی بین المللی، دفاع از نظم عمومی بین المللی و مجازات اشخاصی است که با ارتکاب جرایم بین المللی این نظم را مختل می کنند. از خصائص این رشته مطالعاتی از یک سو، «بین المللی بودن قواعد و مقررات کیفری» آن، و از سوی دیگر، «بین المللی بودن اشخاصی» است که ممکن است این قواعد و مقررات را نقض کنند و بدین ترتیب مرتکب جرم بین المللی یا ورود خسارت نسبت به شخص بین المللی دیگر یا افراد عادی شوند. این اشخاص عمدتاً دولتها یا کارگزاران آنها - وقتی که به نام آنان عمل می کنند - هستند، یعنی دولتها و عمال آنها ممکن است در طول حیات بین المللی خود و در روابطی که با دیگر کشورها دارند مرتکب فعل یا عامل ترک فعلی باشند که مسئولیت بین المللی برای آنها ایجاد کند. قواعد و مقررات بین المللی کیفری مذکور در فوق، عمدتاً، در مراجع بین المللی، از جمله سازمان ملل متحد و ارکان وابسته به آن، تهیه و تدوین

می گردد.

مسئولیت یکی از ارکان اساسی هر نظام حقوقی است. ماهیت حقوق، ساختار تکالیفی که در برابر این حقوق قرار می گیرد و ماهیت ضمانت اجراهایی که در صورت نقض آنها قابل اعمال است در مفهوم مسئولیت مستتر می باشد.

اما مسئولیت به دو نوع تقسیم می شود: مسئولیت مدنی که ناظر بر ترمیم خسارت وارده است،<sup>۱</sup> و مسئولیت کیفری که عمدتاً ناظر به سرکوبی جرم و مجازات بزهکار است.<sup>۲</sup> در کنفرانس امروز، نوع اخیر مسئولیت در حقوق بین الملل مورد نظر ما قرار خواهد گرفت.

### الف- تعریف مسئولیت بین المللی

تعاریف مختلفی از مسئولیت بین المللی شده است که بعضاً مکمل یکدیگرند. طبق یک تعریف کلی، «مسئولیت بین المللی، تکلیفی است که بنابر حقوق بین الملل، به عهده دولتی که فعل یا ترک فعل مخالف تعهدات بین المللی اش قابل انتساب به او می باشد، گذارده می شود تا خسارات وارده به دولت دیگر یا به شخص یا اموال شهروندان آن دولت را - که از آن فعل یا ترک فعل ناشی می شود - جبران کند».<sup>۳</sup> مسئولیت بین المللی را غالباً به عنوان «نتیجه نقض یک تعهد و الزام بین المللی» نیز قلمداد کرده اند. در این تعریف، مسئولیت، با توجه به خصیصه نامشروع عملی که آن را ایجاد می کند، مورد توجه قرار گرفته است. پاره ای از نویسندگان، با عنایت به محتوی و هدفی که بینش تحقیقی کلاسیک به

۱. در این مورد رک: کاتوزیان (دکتر ناصر)؛ ضمان قهری و مسئولیت مدنی، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰؛ حسینی نژاد (دکتر حسینقلی)، مسئولیت مدنی، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۳.

۲. در این مورد رک: علی آبادی (دکتر عبدالحسین)، حقوق جنایی، جلد اول، ۱۳۴۷، ص ۱۳۲ و بعد؛ نوربها (دکتر رضا)، زمینه حقوق جزای عمومی، انتشارات کانون وکلای دادگستری، تهران، ۱۳۶۹، ص ۱۷۱ و بعد.

3. Dictionnaire de la terminologie du Droit international, Ed. Sirey, Paris, 1960, P. 541.

مسئولیت بین المللی اختصاص داده است، معتقدند که مسئولیت بین المللی عبارت است از «الزام (تکلیف) به ترمیم خساراتی که اعمال خاص قابل انتساب به شخص دولت به وجود آورده است». و بالاخره عده ای از نویسندگان و مراجع بین المللی - از جمله کمیسیون حقوق بین الملل -، با توجه به رابطه جدیدی که میان مباشر عملی موجد مسئولیت و سایر تابعان حقوق بین الملل به وجود می آید، مسئولیت بین المللی را تعریف کرده اند. با توجه به این معیار، «مسئولیت بین المللی هرگونه روابط جدیدی در حقوق بین الملل می باشد که ممکن است از ارتکاب عمل بین المللی نامشروع دولت به وجود آید، خواه این روابط محدود به رابطه بین دولت مباشر عمل نامشروع و دولت مستقیماً متضرر از آن عمل باشد و خواه به سایر تابعان حقوق بین الملل نیز تسری پیدا کند». تعریف اخیر که در متن پیش نویس مواد راجع به مسئولیت دولت مورد توجه اعضای کمیسیون حقوق بین الملل واقع شده است، مبین مفهوم گسترده ای از مسئولیت بین المللی است، به طوری که بتوان رسالتهای متعددی را برای آن در نظر آورد: ترمیم و مجازات، یعنی مسئولیت مدنی بین المللی و مسئولیت کیفری بین المللی.

نظریه کلاسیک حقوق بین الملل مدافع وحدت مسئولیت در زمینه بین المللی بود؛ یعنی از یک سو، وحدت رابطه حقوقی را که فقط دولت مرتکب عمل نامشروع را در مقابل دولت خسارت دیده و «متضرر» مستقیم قرار می دهد، مورد تأکید قرار داده است که در این صورت دولت اولی مکلف به ترمیم خسارات دولت دومی است و از سوی دیگر، به وحدت رسالت مسئولیت که صرفاً منجر به ترمیم می گردد نظر داشته است.

4. Dupuy (P.-M.), "Le fait générateur de la responsabilité internationale des Etats", RCADI, 1984, V, p. 25;

همچنین در خصوص تعاریف دیگر مسئولیت بین المللی دولتها رک: فیوضی (دکتر رضا)،

مسئولیت بین المللی و نظریه حمایت سیاسی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۲؛

Dupuy (P.-M.), Droit international public, précis Dalloz, Paris, 1992, pp. 329 et s.

۵. در مبحث دوم همین نوشتار، این مفهوم از مسئولیت مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

## ب - فرآیند تاریخی مفهوم مسئولیت بین‌المللی

در عصر «جامعه ملل»، یعنی در واقع در فاصله زمانی میان دو جنگ جهانی، معاهده کمکهای متقابل ۱۹۲۳ جامعه ملل برای نخستین بار «جنگ تجاوزکارانه» را یک «عمل نامشروع بین‌المللی» متمایز از سایر «اعمال نامشروع بین‌المللی» تلقی کرد و به آن وصف «جنایت» بین‌المللی داد، بدان جهت که جنایت در حقوق جزای داخلی، شدیدترین نوع جرم است، و بنابراین جنایت قلمداد کردن جنگ تجاوزکارانه، آن را در ردیف «خطرناک‌ترین» اعمال نامشروع بین‌المللی قرار می‌دهد، لیکن آن را دارای همان آثار کیفری ندانست که جنایت در حقوق داخلی به بار می‌آورد. به موازات آن اقدامات، دانشمندان حقوق جزا و انجمن بین‌المللی حقوق جزا (در سال ۱۹۲۸) و انجمن حقوق بین‌الملل (در سال ۱۹۲۶) پیشنهاد کردند که علاوه بر نظام مسئولیتی که رسالت آن ترمیم خسارات ناشی از ارتکاب عمل نامشروع بین‌المللی است، برای نقض پاره‌ای مقررات اساسی حقوق بین‌الملل، نظام مسئولیت خاصی نیز پیش بینی شود که دولت متخلف را مجازات کند؛ یعنی آنکه دولت مرتکب چنین نقضی با ضمانت اجرایی رو به رو شود که جنبه تریبی دارد و نه جنبه ترمیمی صرف.<sup>۶</sup>

معاهده صلح ۱۹۱۹، مشهور به معاهده ورسای که ضمن پایان دادن به جنگ جهانی اول، جامعه ملل را نیز به وجود آورد، در ماده ۲۷۷ خود، یکی از نخستین موارد مسئولیت کیفری بین‌المللی رئیس حکومت را پیش بینی نمود و مقرر داشت که ویلهلم دوم، امپراتور آلمان، به سبب «لطمه شدیدی که به اخلاق بین‌المللی و قداست معاهدات زده است باید محاکمه گردد».<sup>۷</sup> مفاد این ماده و پیشنهادهای انجمنهای علمی، از یک سو مبین ظهور گرایش جدیدی در حقوق بین‌الملل بود که در اثبات مفهوم مسئولیت کیفری بین‌المللی ثابت قدم بود و از سوی دیگر، سابقه‌ای به

6. Cf. Bassiouni (ch), "Le Droit pénal international: son histoire, son objet, son contenu", in Rev. Internationale de droit pénal, Ed, Erès, 1981, pp. 43 et s.

7. Stern (B), "Les problèmes de responsabilité posés par la crise et la "guerre" du Golfe", in Les aspects juridiques de la crise et de la guerre du Golfe, Ed. Montchrétien, Paris, 1991, p. 330.

شمار می آمد برای مطالعات بعدی پیرامون تدوین قواعد و مقررات مربوط به مسئولیت کیفری بین المللی. بدین ترتیب بود که در سطح بین المللی کوششهایی به منظور تهیه و تدوین ابزارهای فنی حقوق بین الملل جزای شکلی و حقوق بین الملل جزای ماهوی - که مسأله مسئولیت کیفری یکی از مباحث مهم آن را تشکیل می دهد - آغار گردید.

جنگ دوم جهانی و تحولات حقوقی - سیاسی بزرگی که متعاقب آن به وجود آمد، ضرورت تدوین سریع یک سلسله مقررات بین المللی کیفری را آشکارتر ساخت. زیرا تجربه جنگ، جامعه بین المللی را متوجه ساخت که صلح و امنیت جهانی تا چه اندازه آسیب پذیر است، و حفظ آن از طریق ایجاد ابزارها و عناصر حقوقی و نیز نهادهای عملی و منسجم کیفری در آینده تا چه میزان حیاتی می نماید. تأسیس سازمان ملل متحد در ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ به منظور پاسداری از صلح و امنیت جهانی و نیز استقرار همکاریهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میان دولتها، مصداق تحقق این اندیشه و از جمله ابزارهای مذکور بود. بنابراین پایان جنگ دوم جهانی و به دنبال آن تأسیس سازمان ملل متحد، مرحله مهمی در تحولات حقوق بین الملل در قلمرو کیفری محسوب می شود که به عصر «ملل متحد» مشهور شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### ج- طرح تحقیق و کنفرانس

با توجه به آنچه گفته شد، موضوع مسئولیت کیفری بین المللی در عصر «ملل متحد» طی دو مبحث مورد بررسی ما قرار خواهد گرفت: در مبحث نخست، از مسئولیت کیفری بین المللی در قلمرو جرایم حقوق بین الملل - یعنی جرایمی که در معاهدات و سایر اسناد بین المللی پیش بینی شده اند - و در مبحث دوم، مسئولیت کیفری بین المللی ناشی از ارتکاب جرایم جنایی (جنایات) بین المللی - یعنی جرایمی که در قالب پیش نویسهای کمیسیون حقوق بین الملل پیش بینی شده اند - سخن خواهیم گفت.

مبحث نخست

**مسئولیت کیفری بین‌المللی ناشی از جرایم حقوق بین‌الملل**

محاكمات و احكام دادگاههای نورنبرگ و توكيو اصولی را در قلمرو بین‌المللی کیفری بنا نهادند که به «حقوق جزای نورنبرگ» مشهور شده است. در گفتار اول، مسئولیت کیفری بین‌المللی در این حقوق بررسی خواهد شد.

اما با توسعه فعالیت‌های سازمان ملل متحد، به تدریج یک سلسله معاهدات تدوین و به تصویب رسیدند که هر کدام از آنها یک جرم خاص بین‌المللی را با رژیم کیفری خاص آن ایجاد نمود. در گفتار دوم به عنوان نمونه به پاره‌ای از این معاهدات اشاره کرده و مسئولیت کیفری بین‌المللی را آنطور که این معاهدات تبیین کرده‌اند، مورد بررسی قرار خواهیم داد.

گفتار اول

**مسئولیت کیفری بین‌المللی در «حقوق نورنبرگ»**

اندیشه محاکمه و مجازات کسانی که جنگ جهانی دوم را آغاز کردند و یا در جریان آن، مرتکب «جرایم جنگی» شدند برای نخستین بار در اعلامیه مسکو ۳۰ اکتبر ۱۹۴۳ از سوی متفقین اعلام شد. با پیروزی متفقین، اعلامیه لندن ۸ اوت ۱۹۴۵ به امضای ایالات متحده آمریکا، انگلستان، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و جمهوری فرانسه رسید.<sup>۸</sup> اعلامیه اخیر راجع بود به: تعقیب و مجازات مجرمین «بزرگ» جنگی که از اتباع کشورهای اروپایی محور، یعنی آلمان و ایتالیا، بودند. با الهام از مفاد این اعلامیه، ژنرال مک‌آرتور نیز اعلامیه مشابهی تهیه کرد که موضوع آن محاکمه و مجازات مجرمین جنگی ژاپنی بود. این دو اعلامیه و ملحقات آن، دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ در اروپا و دادگاه نظامی

8. Bassiouni (Ch). op. cit., p. 80.



بین‌المللی توکیو در خاور دور و اساسنامه آنها را به وجود آوردند.

ماده ۶ اساسنامه دادگاه نورنبرگ و ماده ۵ اساسنامه دادگاه توکیو

سه نوع وصف یا عنوان مجرمانه نسبتاً موسع را پیش بینی کردند: جرایم

علیه صلح، جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود

که نویسندگان این دو متن، مفهوم جنگ و وقایع ناقض عرف و مقررات

حاکم بر جنگ را که از آن ناشی می‌شود (مفهوم حقوقی بین‌المللی) با

مفهوم جنایت (مفهوم حقوقی کیفری داخلی) مرتبط ساختند.

بطور خلاصه باید گفت که جرایم علیه صلح، عمدتاً همان جنگهای

تجاوزکارانه یا ناقض معاهدات و موافقتنامه‌های بین‌المللی است؛ جرایم

جنگی عمدتاً شامل نقض عرف و مقررات حاکم بر مخاصمات مسلحانه

می‌شود؛ و جرایم علیه بشریت عمدتاً شامل قتل، کشتار، امحاء یا هر عمل

غیرانسانی علیه گروهها یا جمعیت‌های نژادی، مذهبی سیاسی خاص و غیره

می‌شود. اگر ارتکاب دو نوع جرم اولی در طول جنگ قابل تصور است، در

عوض ارتکاب جرایم نوع سوم لزوماً با شروع یا ادامه جنگ همراه نیست و

ممکن است در زمان صلح نیز به وقوع بپیوندد.

ماده هفت اساسنامه دادگاه نورنبرگ و ماده شش اساسنامه دادگاه

توکیو در مورد مسئولیت کیفری ناشی از ارتکاب جرایم مذکور در بالا

۹. در اینجا نیز هدف تدوین کنندگان دو اساسنامه از کاربرد واژه *crime*، بیشتر تأکید بر شدیدترین نوع

جرم در سطح بین‌المللی بوده است و نه بر مفهومی که *crime* (جنایت)، از نظر آثار کیفری، در حقوق داخلی

دارد. بنابراین می‌توان در فارسی به جای جرایم علیه صلح، جرایم جنگی، ...، جنایات علیه صلح، جنایات

جنگی، ... را نیز بکار برد.

۱۰. توضیح آنکه معاهده بریان کلگ ۲۷ اوت ۱۹۲۸ جنگ را غیرقانونی (نامشروع) اعلام نمود، لیکن

آن را جرم از نوع جنایت تلقی نکرد.

۱۱. گفتنی است که پاره‌ای از قوانین کیفری داخلی نیز، از جمله قانون جزای کانادا (از طریق تصویب

لایحه قانونی C-71 در ۱۹۸۷ در پارلمان آن کشور) و قانون جزای جدید فرانسه (۱۹۹۲)، در بخش

جرایم علیه اشخاص، «جرایم علیه بشریت» را پیش بینی کرده‌اند و بدین ترتیب مفهوم «جرایم علیه

بشریت» را، صرف نظر از اسناد و مدارک رسمی بین‌المللی موجود در این خصوص، توسط قانونگذاران ملی

وارد حقوق جزای داخلی نموده‌اند.

تدوین شده است: اگر مباشر جرم مأمور باشد، دستور ما فوق که منجر به ارتکاب جرم شده است، اصولاً وی را از مسؤولیت مبری نمی کند؛ هرگاه مباشر این قبیل جرایم، رئیس حکومت یا رئیس دولت باشد، از هیچ مصونیتی برخوردار نیست و مسؤول می باشد. به عبارت دیگر، عنوان ریاست دولت یا ریاست حکومت، موجبی برای زایل شدن مسؤولیت کیفری بین المللی شخصی که دارای چنان موقعیتهایی است، نمی گردد.<sup>۱۲</sup>

بدین ترتیب دادگاههای مزبور افرادی را که مرتکب یکی از این جرایم شده بودند محاکمه، محکوم و مجازات نمودند و بنابراین اشخاص عادی را از نظر حقوق بین الملل جزا مسؤول تلقی کردند و نه دولتهای متبوع آنها را. اما باید اضافه کرد که هدف نهایی این محاکمات، در واقع، محاکمه، محکومیت، افشاء و «تقبیح بین المللی» دولتهایی بود که عده ای به عنوان عمال به نام و در اجرای نیات آنها، مرتکب جرایم علیه صلح، جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت شده بودند.<sup>۱۳</sup>

از نظر حقوق جزای داخلی، دو ایراد اساسی به محاکمات و احکام دادگاههای نظامی بین المللی نورنبرگ و توکیو وارد شده است. به موجب نخستین ایراد که جنبه ماهوی دارد، اصل مهم «قانونی بودن یا قانونمندی جرایم و مجازاتها» که بنا برآن هیچ جرم و هیچ مجازاتی بدون قانون قبلی مصداق ندارد، رعایت نگردیده است؛ یعنی افراد در رابطه با اعمالی محاکمه، محکوم و مجازات شده اند که در زمان ارتکاب آنها در حقوق بین الملل جزا مجرمانه تلقی نشده بودند و بنابراین بسیاری از صاحب نظران، احکام محکومیت کیفری دادگاههای مذکور در بالا را قانونی به شمار نیاوردند. به موجب ایراد دوم که جنبه شکلی دارد، محاکمات در دادگاههایی جریان داشته اند که جنبه خاص و گذرا (ad hoc) داشته است و آیین دادرسی کیفری خاصی در آنها رعایت شده است که به مانند آیین دادرسی معمول در دادگاههای کیفری نهادی داخلی، اسباب رعایت و تحقق

12. Stern (B), op. cit., p. 333.

۱۳. دویوبی (بی.ا.ماری)، جرم بین المللی دولت، ترجمه نجفی ابرندآبادی، مجله حقوقی، شماره ۱۳،

۱۳۶۹، ص ۲۷۵.

کلیه حقوق متهم را در زمان رسیدگی به اتهامات وی فراهم نکرده است، و بنابراین برای کسانی این تصور پیش آمد که احکام کیفری این دادگاهها عادلانه نبوده است.

این تجربه بین المللی قضایی و واکنشهای علمی-سیاسی که به دنبال آن به وجود آمد، مجمع عمومی سازمان ملل متحد را بر آن داشت تا با استفاده از آنها، کار تدوین مقررات کیفری جامعی را که برای ایجاد نظام بین المللی کیفری عملی، ضروری است، آغاز نماید. بنابه درخواست مجمع عمومی، کمیسیون حقوق بین الملل در سال ۱۹۵۰ «اصول بین المللی کیفری» را از اساسنامه ها، محاکمات و احکام دادگاههای مذکور در بالا استخراج و با تعبیر جدیدی ضمن هفت فصل تدوین نمود.<sup>۱۴</sup> این اصول عموماً اصول اساسی حقوق بین الملل کیفری قلمداد می شود. از جمله:

در فصل اول، مباشر عملی را که جرم (جنایت) بین المللی محسوب می شود مسئول دانسته و مستوجب مجازات اعلام می کند؛ در فصول سه و چهار، به مسئولیت کیفری بین المللی افراد، یعنی رئیس حکومت، رئیس دولت و مأمور یک دولت - مرتکب جرم بین المللی - اشاره شده است؛ در فصول دیگر جرایم بین المللی تعریف می شوند که در واقع همان عناوین مجرمانه مندرج در اساسنامه نورنبرگ است.

جرایم بین المللی مورد اشاره در بالا که امروز از آنها بیشتر تحت عنوان «جرایم حقوق بین الملل» یاد می شود، در واقع فعل یا ترک فعل نامشروع دولت است که به تدریج به عنوان جرم (جنایت)<sup>۱۵</sup> در قالب «اصول بین المللی کیفری»، معاهدات و سایر اسناد بین المللی وارد حقوق بین الملل عمومی شده و بدین ترتیب است که اکنون بیست و چهار<sup>۱۶</sup> جرم بین المللی مختلف با رژیمهای کیفری خاص هر یک، در «حقوق بین الملل

۱۴. سایر مطالعات و اقدامات کمیسیون حقوق بین الملل در این خصوص در مبحث دوم مطالعه خواهد شد.  
15. Crime.

۱۶. تجاوز، جرایم جنگی، کاربرد غیرقانونی تسلیحات (به عنوان یک جرم جنگی)، کشتار جمعی، جرایم علیه بشریت، تبعیض نژادی و آبارناید، برده داری و جرایم وابسته، شکنجه (به عنوان یک جرم جنگی)،

جزای قراردادی»، یعنی حقوق بین الملل جزای مبتنی بر معاهدات بین المللی، وجود دارد.

گفتار دوم

## مسئولیت کیفری بین المللی در معاهدات بین المللی

مبنای قواعد و مقررات حقوق بین الملل در قلمرو رفتار بین المللی دولتها، در حقوق بین الملل عرفی قرار دارد، لیکن مقررات مزبور به تدریج در قالب فرآیند تدوین و تصویب معاهدات بین المللی متعددی گسترش یافته و به شکل امروزی آن درآمده است. به همین جهت، غالباً «حقوق بین الملل عرفی» را از «حقوق بین الملل قراردادی» - که در عین حال که مکمل یکدیگرند جهت توسعه تدریجی این رشته مطالعاتی، یعنی حقوق بین الملل عمومی را نیز مشخص می سازند - تفکیک کرده اند.

این معاهدات عمدتاً راجع به اعمالی است که نقض حقوق بشر را به دنبال دارند و موجبات لطمه به مقام و منزلت بشریت را فراهم می سازند، یا تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی محسوب می شوند. به عنوان نمونه، به معاهدات چهارگانه ژنو<sup>۱۷</sup> که از منابع اساسی حقوق بین الملل کیفری است و نیز بطور مختصر، به مسأله رژیم مسئولیت کیفری بین المللی در آنها می پردازیم: کمیته بین المللی صلیب سرخ معاهدات چهارگانه ۱۲ اوت

آزمایشهای غیرقانونی بر روی انسان (به عنوان یک جرم جنگی)، راهزنی دریایی، هواپیمارمایی، جرایم علیه امنیت حمل و نقل دریایی بین المللی، تهدید و کاربرد زور علیه اشخاصی که از نظر بین المللی مورد حمایت هستند، گروهانگیری افراد غیرنظامی، جرایم مربوط به مواد مخدر، خرید و فروش بین المللی نثریات قبیحه و مبتذل، تخریب یا غارت ذخائر ملی (در زمان جنگ و از جهاتی در زمان صلح)، حفاظت از محیط زیست (بعضی جوانب آن)، سرقت مواد هسته ای، استفاده غیرقانونی از بست، دستکاری و دخالت در کابلهای زیردریایی، مزدورگیری، و تقلب و جعل اسناد و مدارک. در این مورد رک:

Bassiouni (ch), The history of the Draft code of crimes against the peace and security of mankind, in Commentaires on the international Law commission's 1991 Draft Code of crimes against the peace and security of mankind, Nouvelles Etudes Pénales, n° 11, Ed. Erès, 1993, p.2.

۱۷. ایران در آذرماه ۱۳۳۴ به این معاهدات پیوسته است.

۱۹۴۹ و متعاقب آن پروتکل‌های متمم ۸ ژوئن ۱۹۷۷ آن را که همگی درباره حقوق بشر دوستانه<sup>۱۸</sup> می‌باشند، منتشر ساخت.

این معاهدات که برای تدوین آنها در واقع از «اصول بین‌المللی کیفری» الهام گرفته شده است به ترتیب عبارتند از: معاهده راجع به بهبود وضعیت مجروحان و بیمارانی که در ستون جنگی به خدمت اشتغال دارند؛ معاهده راجع به بهبود وضعیت مجروحان و بیماران و مغرورین نیروهای دریایی؛ معاهده راجع به رفتار با اسیران جنگی؛ معاهده راجع به حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ؛ و پروتکل‌های متمم آن به ترتیب عبارتند از: پروتکل (۱) حمایت از مصدومین مخاصمات نظامی بین‌المللی و پروتکل (۲) حمایت از مصدومین مخاصمات نظامی غیر بین‌المللی.

مفاد دو ماده که راجع به جرایم علیه این معاهدات و مجازات‌های آنها می‌باشد، به صورت مشترک و با انشایی یکسان در همه معاهدات آورده شده است: به موجب ماده ۴۹ کنوانسیون ۱، ماده ۵۰ کنوانسیون ۲، ماده ۱۲۹ کنوانسیون ۳ و ماده ۴۶ کنوانسیون ۴ ژنو کلیه طرف‌های امضاکننده متعهد شده‌اند که هرگونه اقدام تقنینی لازم برای تعیین ضمانت اجراهای (مجازات‌های) مناسب نسبت به اشخاصی که یکی از جرایم خطرناک معاهدات را مرتکب شوند یا دستور ارتکاب آن را بدهند، اتخاذ نمایند... به موجب ماده ۵۰ کنوانسیون ۱، ماده ۵۱ کنوانسیون ۲، ماده ۱۳۰ کنوانسیون ۳ و ماده ۱۴۷ کنوانسیون ۴ جرایم شدید (خطرناک) شامل جرایمی است که متضمن ارتکاب یکی از اعمال زیر باشد: اعمال علیه اشخاص یا اموالی که در معاهدات چهارگانه مورد حمایت قرار گرفته‌اند، قتل عمدی، شکنجه یا رفتارهای غیرانسانی، آزمایش‌های زیست‌شناختی بر روی افراد، تملک یا مصادره ناموجه اموال،...

بدین ترتیب در معاهدات چهارگانه: ۱. مسئولیت کیفری بین‌المللی متوجه اشخاص حقیقی و افراد عادی است و دولتها به لحاظ نقض مقررات

۱۸. گلیبار (کلود آلبر)، نهادهای روابط بین‌الملل، ترجمه و تحقیق از دکتر هدایت‌الله فلسفی، نشر نو،

این معاهدات دارای نوعی مسئولیت مدنی بین المللی شده اند، یعنی مسئولیتی که نتیجه آن الزام به ترمیم خسارات وارده یا تکلیف به اعاده وضع موجود به حالت سابق است: ۲. برای محاکمه و مجازات مجرمین در اثر ارتکاب جرایم خطرناک، نوعی صلاحیت جهانی پیش بینی شده است، بدین معنی که هر دولتی که چنین مجرمینی را در سرزمین خود پیدا یا دستگیر نماید، مکلف به محاکمه و مجازات یا استرداد آنها به دولت متقاضی است؛ ۳. دولتهای امضاکننده مکلفند جرایم و مقررات مربوط در معاهدات چهارگانه را در نظام جزایی خود وارد کنند.

با توجه به آنچه گفته شد می توان معتقد بود که موارد زیر در حقوق بین الملل جزای کنونی جرم (جنایت) محسوب می شوند: ۱. نقض اصول بین المللی کیفری منبعت از «حقوق نورنبرگ»؛ ۲. نقض عمده مقررات معاهدات چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل های متمم ۱۹۷۷ آن؛ ۳. و بالاخره نقض مقررات سایر معاهدات و اسناد بین المللی، از جمله معاهده پیشگیری و مجازات جرم کشتار جمعی ۱۹۴۸ که در ۱۲ ژانویه ۱۹۵۱ لازم الاجرا شد<sup>۲۰</sup> و معاهده بین المللی پیشگیری و جرم آپارتاید ۱۹۷۲ که در ژوئیه ۱۹۷۶ به اجرا گذاشته شد.<sup>۲۱</sup>

مسئولیت کیفری بین المللی و نظام حقوقی خاص هر یک از این جرایم در حقوق بین الملل جزا، برحسب مورد، در معاهده مربوط پیش بینی شده است؛ لیکن اصولاً مسئولیت کیفری بین المللی برای اشخاص مجرم بین المللی، صرف نظر از مقام، عنوان رسمی سیاسی، اجرایی و شغلی در

۲۰. در این مورد رک: کاسیه (آنتونو)، جامعه بین المللی و کشتار جمعی، ترجمه دکتر محمدعلی اردبیلی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۰، ۱۳۷۱، ص ۲۱۹ و بعد: اردبیلی (دکتر محمدعلی)، کشتار جمعی، مجله حقوقی، شماره ۱۱، ۱۳۶۸.

۲۱. در خصوص معاهده ضد شکنجه و سایر مجازاتها یا رفتارهای بسیار خشن، غیرانسانی یا تحقیرکننده، رک: نوربها (دکتر رضا)، شکنجه در کنوانسیون ۱۹۸۴ سازمان ملل متحد، مجله کانون وکلا، شماره های ۱۴۹-۱۴۸، ۱۳۶۸، ص ۱۹۱ و بعد: اردبیلی (دکتر محمد علی) شکنجه، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۳۷۰، ص ۱۸۱ و بعد.

سلسله مراتب حقوقی-اداری-سیاسی دولت متبوع آنها، مورد توجه تدوین کنندگان معاهدات قرار گرفته است و مسؤولیت بین المللی دولتهای مجرم از نوع مدنی بوده و مستلزم ترمیم، جبران خسارت، قطع عمل مجرمانه، اعاده وضع به حالت سابق و پرداخت غرامت است. در اکثر موارد، رسیدگی به جرایم مجرمین بین المللی در صلاحیت دادگاههای قضایی کیفری داخلی کشورهای عضو معاهده مربوط تعیین شده است.

برای رفع این مشکل، یعنی رفع تشتت و تفاوت رژیمهای کیفری بین المللی از نظر نوع و ماهیت مسؤولیت، نوع مرجع قضایی صلاحیتدار برای رسیدگی به مجرمین بین المللی، ... و به منظور تدوین یک سلسله مقررات متحدالشکل بین المللی کیفری که ابزارهای قهری مؤثر و منسجم برای حفظ و دفاع از نظم عمومی بین المللی به شمار می آیند، کمیسیون حقوق بین الملل از همان ابتدای کار و بنابر مأموریتهای متعدد و متنوعی که مجمع عمومی سازمان ملل به آن محول نموده بود، سرگرم بررسی، مطالعه و تدوین اینگونه مقررات در قالب طرحهای کیفری مختلف شده است.

مبحث دوم

### مسئولیت کیفری بین المللی ناشی از جنایات بین المللی

مجمع عمومی در ۲۱ نوامبر ۱۹۴۷، یعنی همزمان با تأسیس کمیسیون حقوق بین الملل، طی قطعنامه شماره (۲) ۱۷۷ به این کمیسیون مأموریت داد که: الف) اصول حقوق بین الملل را که در اساسنامه و در احکام دادگاه نورنبرگ وجود دارد استخراج کند و ب) طرح «مجموعه مقررات (قانون) مربوط به جرایم علیه صلح و امنیت بشری» را با توجه به اصول یاد شده در بند الف تنظیم کند. " مجمع عمومی به موجب قطعنامه

22. Draft Code of crimes against the peace and security of mankind.

۲۳. فلسفی (دکتر هدایت الله)، شورای امنیت و صلح جهانی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۸، ۱۳۶۹،

(۷) ۴۸۹ مورخ ۱۲ دسامبر ۱۹۵۰ مأموریت دیگری به کمیسیون داد و آن عبارت بود از تدوین طرح «اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی». ۳۳ مأموریت سوم کمیسیون حقوق بین الملل در سال ۱۹۵۵، تدوین طرح «مواد مربوط به مسؤولیت دولت» ۳۵ بود.

با توجه به موضوع کنفرانس ما و با عنایت به اینکه کار تدوین طرحهای کمیسیون در مورد «قانون جرایم (جنایات) علیه صلح و امنیت بشری» و «مواد مربوط به مسؤولیت دولت» پیشرفته تر است و به تصویب موقت کمیسیون حقوق بین الملل نیز رسیده است، مسأله مسؤولیت کیفری بین المللی را در این دو طرح طی دو گفتار بررسی می کنیم.

## گفتار اول

### مسئولیت کیفری بین المللی در پیش نویس قانون جرایم (جنایات) علیه صلح و امنیت بشری

این طرح مشتمل بر ۲۶ ماده است. ۳۷ مواد ۱ تا ۱۴، موضوع بخش اول طرح، شامل اصول جزایی عمومی است و دوازده ماده دیگر که موضوع بخش دوم را تشکیل می دهد، در واقع بخش جزای اختصاصی طرح می باشد که طی آن، دوازده جرم (جنایت) بین المللی علیه صلح و امنیت بشریت

۲۴. در این مورد رک:

Bassiouni (ch), Draft statute International criminal Tribunal, Nouvelles Etudes Pénales, Ed. Erès, Toulouse, France, 1992.

25. Draft Articles on State Responsibility.

۲۶. گفتنی است که به موجب قطعنامه ۳۰ نوامبر ۱۹۷۳ مجمع عمومی، به کمیسیون مأموریت جدیدی محول گردید و آن عبارت بود از تدوین طرح «مسئولیت بین المللی آثار زیان بار ناشی از فعالیتهای منع نشده در حقوق بین الملل» (International liability for injurious consequences arising out of acts not prohibited by International Law). آقای روبرت کانتن. باکستر گزارش مربوط به این طرح را در تاریخ ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹ به کمیسیون تقدیم کرد.

۲۷. برای توضیحات بیشتر پیرامون این طرح رک: خزانی (منوچهر)، نجفی ابرندآبادی (علی حسین)، «درآمدی بر طرح قانون بین الملل جزا»، زیر چاپ در مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی بین المللی.



احصاء و تعریف شده است.<sup>۲۸</sup> مواد ۳، ۵ و ۱۳ این پیش نویس راجع به مسئولیت است.

به موجب بند ۱ ماده ۳ با عنوان مسئولیت و مجازات، هر فردی که مرتکب جرم علیه صلح و امنیت بشریت گردد، مسؤول و مستوجب مجازات است. این بند ناظر به مسئولیت کیفری فردی به لحاظ ارتکاب یکی از جرایم (جنایات) بین المللی بر ضد صلح و امنیت بشری می باشد و از مسئولیت کیفری دولت سخنی به میان نمی آورد. اگر فرد به عنوان «عامل یک دولت»، «به حساب یک دولت»، «به نام یک دولت» یا بدون اینکه اختیار قانونی داشته باشد، به عنوان عامل دولت مرتکب یکی از جنایتهای پیش بینی شده در این طرح شود، در واقع جنایت ارتكابی منتسب به دولت است و برای دولت، مسئولیت ایجاد می شود، لیکن کمیسیون حقوق بین الملل در، سی و ششمین جلسه خود تصمیم گرفت که در طرح حاضر کار خود را محدود به مسئولیت کیفری بین المللی افراد نماید.

ماده ۵ تحت عنوان «مسئولیت دولتها» مقرر می دارد: تعقیب یک متهم به ارتکاب جرم علیه صلح و امنیت بشری، دولت را از مسئولیت خود در حقوق بین الملل از بابت هر فعل یا ترک فعل قابل انتساب به آن، معاف نمی سازد. صدر این ماده مجدداً به مسئولیت کیفری فردی اشاره می کند، حال چنانچه فرد به نام یا به حساب دولت یا به عنوان عامل آن، مرتکب یکی از جرایم مندرج در طرح شود و بتوان از این طریق آن را به دولت متبوعه منتسب نمود، دولت هم مسؤول می باشد، لیکن نوع و رژیم مسئولیت بین المللی دولت در این ماده مسکوت گذاشته شده است. کمیسیون حقوق بین الملل معتقد است که در چنین مواردی دولت ملزم به

۲۸. این جنایات عبارتند از: تجاوز (ماده ۱۵)، تهدید به تجاوز (ماده ۱۶)، مداخله (ماده ۱۷)، سلطه استعمارگرانه و سایر اشکال استیلای خارجی (ماده ۱۸)، کشتار دسته جمعی (زنوساید) (ماده ۱۹)، تبعیض نژادی (آپارتاید) (ماده ۲۰)، نقض یا برنامه یا وسیع حقوق بشر (ماده ۲۱)، جرایم جنگی فوق العاده مهم (ماده ۲۲)، استخدام، بکارگیری، تأمین مالی و آموزش مزدوران (ماده ۲۳)، تروریسم بین المللی (ماده ۲۴)، قاچاق مواد مخدر (ماده ۲۵) و صدمات عمدی و شدید به محیط زیست (ماده ۲۶).

ترمیم خسارات ناشی از جنایت عمال خود خواهد بود، یعنی در واقع مسئولیت مدنی بین‌المللی دولت مطرح می‌شود.

بنابر ماده ۱۳ با عنوان «موقعیت رسمی و مسئولیت کیفری»، مقام رسمی مباشر جرم علیه صلح و امنیت بشری، و خصوصاً اینکه شخصی به عنوان رئیس کشور یا دولت عمل نموده باشد، مرتکب را از مسئولیت کیفری معاف نمی‌کند. مبنای مفاد این ماده، عیناً در مقررات اساسنامه‌های دادگاههای نظامی بین‌المللی نورنبرگ و توکیو، یعنی در ماده هفت اساسنامه دادگاه نورنبرگ و ماده شش اساسنامه دادگاه توکیو، قبلاً پیش بینی شده بود. تأکید ماده ۱۳ بر این است که موقعیت و مقام مباشر جرم در سلسله مراتب اداری - سیاسی هرگز نمی‌تواند اوضاع و احوالی تلقی شود که وی را از مسئولیتش مبری کند، یا به وی مصونیت حقوقی دهد - حتی اگر شخص مرتکب جرم ادعا کند که اعمال تشکیل دهنده آن جرم ناشی از اعمال مدیریت و یا در جهت انجام وظایف رسمی او بوده است.

گفتار دوم

### مسئولیت کیفری بین‌المللی در پیش نویس مواد مربوط به مسئولیت دولت،

همانطور که از عنوان پیش نویس برمی‌آید، مواد آن صرفاً به تعریف ابعاد مختلف مسئولیت بین‌المللی دولتها اختصاص دارد. کار تدوین آن با انتخاب آقای گارسیا - آمادور<sup>۲۹</sup> در سال ۱۹۵۵، به عنوان گزارشگر ویژه، آغاز شد. مطالعات وی جنبه مقدماتی داشت و به هر حال منجر به تدوین طرح مواد مربوط به مسئولیت دولت نگردید. کمیسیون حقوق بین‌الملل قلمرو کار خود را درباره این طرح به سه بخش تقسیم کرد:<sup>۳۰</sup>

29. Garcia Amador.

30. Cf. Rosenne (Shabatai), The International Law Commission's Draft Articles on State Responsibility, part 1, Arts- 1-35, Martinus Nijhoff publishers, the Netherlands, 1991, pp. 345 and seq.

بخش اول با عنوان «مبنای مسئولیت بین‌المللی» راجع است به اینکه در چه قلمروهایی، در چه مواردی و تحت چه اوضاع و احوالی، دولت ممکن است مرتکب عمل بین‌المللی نامشروع شده و از نظر بین‌المللی مسؤول تلقی گردد؛ بخش دوم تحت عنوان «محتوا، اشکال و درجات مسئولیت بین‌المللی»، اختصاص دارد به تعیین آثار ارتکاب عمل بین‌المللی نامشروع دولت در حقوق بین‌الملل: آثار تنبیهی - کیفری، آثار ترمیمی - ترمیم‌کننده، اشکال مادی ترمیم و ضمانت اجرا، رابطه میان آثار کیفری و آثار ترمیمی؛ و بالاخره بخش سوم راجع است به «اجرای مسئولیت بین‌المللی دولت و حل و فصل اختلافات ناشی از آن».

کمیسیون حقوق بین‌الملل پروفیسور روبرتو آگو - استاد سابق دانشگاه رم و قاضی کنونی دیوان بین‌المللی دادگستری - را در سال ۱۹۶۳ به عنوان گزارشگر ویژه تعیین و وی را مأمور تدوین بخش اول طرح مربوط به مسئولیت دولتها نمود. آگو پس از حدود ده سال کار موفق شد پیش‌نویس بخش اول را که مشتمل بر ۳۵ ماده است نهایی نماید و در سال ۱۹۷۳ به کمیسیون تقدیم کند؛<sup>۳۱</sup> کمیسیون بین‌سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۸۰ مواد بخش اول را بررسی و به تصویب رسانید، لیکن کار تدوین بخش‌های دوم و سوم هنوز ادامه دارد. به هنگام بررسی و تصویب پیش‌نویس بخش اول، کمیسیون با عنایت به ماهیت موضوع کار خود، یعنی «مسئولیت بین‌المللی دولتها»، و نیز حساسیتها و دل‌نگرانیهایی که ممکن است این موضوع برای دولتها در رابطه با حاکمیت و استقلال ملی بوجود آورد، سه ویژگی را در انشای متون مواد مورد توجه قرار داده است: خصیصه موسع مفهوم مسئولیت، به طوری که بتوان یکی از رسالتهای کیفری و ترمیمی یا هر دو را برای مسئولیت دولتها در نظر گرفت؛<sup>۳۲</sup> خصیصه

31. Cf. Arechaga (E. J. de), Tanzi (A), "La Responsabilité internationale des États", in Droit international, Bilan et perspectives, Tome I (M. Bedjaoui, Rédacteur général), Ed. Pédone, Paris, 1992, p. 368.

۳۲. به این موضوع در مقدمه همین مقاله، به هنگام تعریفهای مختلف از مسئولیت بین‌المللی، اشاره شده

سیاسی و دیپلماتیک و بالاخره خصیصه انتزاعی و کلی مواد و مفاد آنها،<sup>۳۳</sup> به منظور جلب نظر موافق کشورها و تحقق اجماع و رفع نگرانیهای آنها از اینکه حاکمیت ملی در رابطه با مسئولیت بین‌المللی احتمالی آنها محدود شود. این ویژگیها در قانونگذاری داخلی وجود ندارد و در تدوین و تصویب قوانین و مقررات کیفری داخلی، عکس این روش رعایت می‌شود، بدین معنی که انشای مواد به صورت تفصیلی و در هر حال صریح بوده و جزییات و حالات مختلف موضوع در متون تقنینی-اداری مشخص می‌گردد تا باب تفسیرها و برداشتهای قضایی متفاوت که در نهایت به ضرر حقوق و آزادیهای اساسی اصحاب دعوی یا متهم می‌باشد، بسته شود.

از نظر ساختار شکلی، پیش‌نویس بخش اول مواد مربوط به مسئولیت دولتها مشتمل بر پنج فصل است: فصل اول با عنوان «اصول کلی» شامل تعاریف و یک سلسله اصول اساسی است، یعنی اصل رابطه مسئولیت با هر عمل نامشروع بین‌المللی؛ اصل دو عنصری بودن هر عمل نامشروع بین‌المللی؛ فصل دوم با عنوان «عمل دولت در حقوق بین‌الملل» راجع است به عنصر ذهنی عمل نامشروع بین‌المللی؛ فصل سوم تحت عنوان «نقض تعهد بین‌المللی» به جنبه‌های مختلف عنصر عینی عمل نامشروع بین‌المللی می‌پردازد که با نقض یک الزام و تعهد بین‌المللی ایجاد می‌شود؛ فصل چهارم زیر عنوان «شرکت یک دولت در عمل نامشروع بین‌المللی یک دولت دیگر»، شامل مواردی است که یک دولت در ارتکاب جرم بین‌المللی دولت دیگر شرکت می‌کند و مسئولیت برای دولتی غیر از دولت مباشر عمل نامشروع بین‌المللی به وجود می‌آید؛ و بالاخره عنوان فصل پنجم «اوضاع و احوال زایل‌کننده خصیصه نامشروع عمل بین‌المللی» است و اختصاص دارد به احصاء و تعریف قوه قاهره، واقعه ناگهانی، حالت اضطرار، دفاع مشروع، ... که مسئولیت مباشر عمل نامشروع بین‌المللی را از میان می‌برند.<sup>۳۴</sup>

33. Reuter (p), Trois "observations sur la codification de la responsabilité internationale des Etats pour fait illicite", in Mélanges Virally, Paris, p. 389.

Rosenne (Sh), op. cit., pp. 247- 380.

۳۴. برای ملاحظه کل مواد طرح رک:

ماده ۱ پیش نویس، مبنای اصلی مسئولیت بین‌المللی دولت را از ارتکاب «عمل نامشروع بین‌المللی»<sup>۳۵</sup> توسط دولت اعلام کرده است. ماده ۳، عناصر تشکیل دهنده عمل یک دولت را که از نظر بین‌المللی نامشروع است تعیین و تعریف کرده است: ۱. رفتاری که به موجب حقوق بین‌الملل متضمن فعل یا ترک فعل قابل انتساب به دولت باشد؛ ۲. آن رفتار، نقض یک تکلیف و الزام بین‌المللی دولت محسوب گردد. بنابراین، مسئولیت بین‌المللی دولت دو عنصر اساسی دارد. الف: تخلف از یک تکلیف و تعهد بین‌المللی ب: قابلیت انتساب تخلف به دولت در مقام تابع حقوق بین‌الملل. اولی یعنی رفتار نقض‌آمیز یا تخلف یا، به تعبیر کمیسیون حقوق بین‌الملل، عمل نامشروع که در واقع تخطی از موازین حقوقی است، عنصر عینی مسئولیت بین‌المللی دولت را تشکیل می‌دهد؛ دومی، یعنی قابلیت انتساب عمل نامشروع به دولت مرتکب، عنصر ذهنی مسئولیت بین‌المللی محسوب می‌شود. طبق مفاد ماده ۴، عمل یک دولت فقط ممکن است به وسیله «حقوق بین‌الملل»، به عنوان عملی که از نظر بین‌المللی نامشروع است، تعیین گردد. در مواد ۵ و ۸ به ترتیب، عمل یا رفتار هر ارگان را که به موجب حقوق داخلی آن کشور وابسته به دولت بوده و بنابراین ارگان دولتی محسوب می‌گردد و نیز رفتار اشخاص حقیقی که به نام یا به حساب دولت عمل می‌کنند، در حکم عمل دولت می‌داند. ماده ۱۷ به عدم تأثیر مبنا و منشأ تعهد بین‌المللی نقض شده در مسئولیت بین‌المللی دولت اشاره می‌کند: چه منبع تعهد و تکلیف، حقوق بین‌الملل عرفی باشد و چه حقوق بین‌الملل قراردادی - مبتنی بر معاهدات - و چه دیگر اسناد بین‌المللی، به محض نقض آن تعهد توسط دولت، عملی محسوب می‌شود که از نظر بین‌المللی نامشروع است. بدین ترتیب، مسئولیت دولتها که مبانی آن در بخش اول طرح پیش‌بینی شده است، در صورت تصویب نهایی و لازم‌الاجرا شدن شامل کلیه اعمال نامشروع بین‌المللی دولتهاً مباشر، مندرج در منابع مختلف عرفی و معاهداتی حقوق بین‌الملل، خواهد شد.

35. Internationally wrongful act.

کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرحهای گذشته، کوشش خود را مصروف تعریف و تدوین قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل موسوم به «قواعد اولیه» یا «قواعد ماهوی» (یعنی قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل که تکالیف معینی را برای دولتها در زمینه روابط بین آنها ایجاد می‌کند) کرده است. لیکن در پیش‌نویس مواد مربوط به مسئولیت دولتها، کمیسیون به تعیین و تعریف «قواعد ثانویه»، یعنی قواعد و مقرراتی که شامل قلمرو مسئولیت و آثار ناشی از قصور در انجام تعهدات اساسی بین‌المللی (قواعد اولیه) می‌شود، پرداخته است.<sup>36</sup>

از مواد جالب توجه این پیش‌نویس که در عین حال نوآوری مهمی در حقوق بین‌الملل نیز محسوب می‌شود، ماده ۱۹ می‌باشد که در بیست و هشتمین اجلاس کمیسیون - ۳ مه تا ۲۳ ژوئیه ۱۹۷۶ - بررسی و با انشای کنونی آن به تصویب رسیده است.

پروفسور آگو، تدوین‌کننده طرح، با انشای ماده ۱۹ بر آن بوده است تا اعمال نامشروع بین‌المللی را با توجه به «اهمیت و دامنه تعهدات نقض شده» طبقه‌بندی کند<sup>37</sup> و بدین ترتیب برای نخستین بار در یک سند بین‌المللی، جرایم بین‌المللی را در دو دسته جنایت بین‌المللی و جنحه بین‌المللی از هم تفکیک نماید.<sup>38</sup> عنوان ماده ۱۹ یعنی «جنایات بین‌المللی و جنحه‌های بین‌المللی»،<sup>39</sup> خود گویای این تفکیک می‌باشد. به موجب بند ۲ ماده ۱۹، جنایت بین‌المللی، «عمل بین‌المللی نامشروعی است که با نقض یک تعهد یا الزام بین‌المللی توسط دولت به وجود می‌آید، و آن تعهد یا الزام برای حمایت و پاسداری از منافع اساسی جامعه بین‌المللی واجد آنچنان اهمیت حیاتی باشد که کل جامعه بین‌المللی نقض آن را جنایت تلقی کند». در حقوق جزای داخلی، معمولاً جرایم بر حسب شدت و

36. Cf. Reuter (P), op. cit., p. 395.

37. Dupuy (P. M), le fait générateur de la responsabilité internationale des Etats, op. cit., pp. 55 et s.

38. گفتنی است که ژرژ سل، حقوق‌دان فرانسوی، در کتاب خود، حقوق ملل (Droit des gens) در ۱۹۳۴

برای نخستین بار اصطلاح «جنحه بین‌المللی» (le délit international) را به کار برده است.

39. International crimes and international delicts.

ضعف مجازاتها طبقه بندی شده اند و جنایت فعل یا ترک فعلی است که شدیدترین مجازات برای آن پیش بینی شده باشد؛<sup>۲</sup> بدین ترتیب معیار طبقه بندی جرایم، درجه و واکنشهای کیفری علیه مباشران آنها می باشد. لیکن طبق تعریف مذکور در بند ۲ ماده ۱۹، معیار اطلاق جنایت بین المللی به یک عمل بین المللی نامشروع، درجه اهمیت است که تعهد یا الزام نقض شده برای منافع اساسی کل جامعه بین المللی دارد و نه میزان واکنشی که نقض چنین تعهدی به دنبال خواهد داشت.

متعاقب تعریف جنایت بین المللی، کمیسیون حقوق بین الملل در بند ۳ همین ماده در مقام ارائه «مصادیقی» از این نوع جرم بین المللی بوده است. به موجب بند ۳ «با توجه به مفاد بند ۲ و براساس قواعد و مقررات حقوق بین الملل جاری، یک جنایت بین المللی ممکن است، از جمله، از موارد زیر ناشی شود...».

همانطور که ملاحظه می شود نحوه انشای این بند بیانگر آن است که کمیسیون چند نمونه از جنایات بین المللی را به صورت «تمثیلی» احصاء و تعریف کرده است. از نظر مقایسه انشای این بند با انشای قوانین کیفری داخلی، باید گفت که به لحاظ نگرانی ناشی از رعایت حقوق اشخاص و اجتناب از تعقیب کیفری افراد بی گناه، انشای مواد در حقوق جزای داخلی معمولاً بسیار منجز و دقیق است، جرایم به صورت حصری احصاء می شود و خارج از جرایم پیش بینی شده در قانون جزا، هیچ فعل یا ترک فعلی قابل تعقیب نخواهد بود. بدیهی است که این دقت و صراحت کیفری از تبعات اصل قانونی بودن جرایم در حقوق جزای داخلی می باشد.

موارد احصاء شده، به عنوان جنایت بین المللی، در بند ۳ به این

شرح است:

الف. نقض شدید یک تعهد یا الزام بین المللی که برای حفظ صلح و امنیت بین المللی واجد اهمیت اساسی است، مانند الزام ناشی از منع

۴۰. مثلاً قانون مجازات عمومی سابق ایران (اصلاحی خرداد ۱۳۵۲) در ماده ۷ خود مقرر می داشت که:

«جرم از حیث شدت و ضعف مجازات بر سه نوع است: ۱- جنایت، ۲- جنحه، ۳- خلاف.»

تجاوز،<sup>۴۱</sup>

ب. نقض شدید تعهدی که برای تضمین حق ملت‌ها در تعیین آزادانه سرنوشت خود، اهمیت اساسی دارد، مانند تعهد به منع استقرار یا حفظ سلطه استعماری با توسل به زور،<sup>۴۲</sup>

ج. نقض جدی و شدید یک تکلیف بین‌المللی در مقیاس وسیع که برای نوع بشر دارای اهمیت اساسی است، مانند الزامات به منع برده‌داری، کشتار دسته‌جمعی و آپارتاید،<sup>۴۳</sup>

د. نقض شدید یک تعهد بین‌المللی که برای حفظ محیط زیست انسانی و تضمین آن واجد اهمیت اساسی است، مانند الزامات ناشی از منع آلودگی گسترده جو یا دریاها.<sup>۴۴</sup>

این موارد جنایی که پیرامون نقض شدید صلح، حق تعیین سرنوشت ملت‌ها و حقوق بشر یا میراث مشترک بشریت یعنی محیط زیست می‌باشد، قبلاً در طرح «قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری» نیز تکرار شده بود، لیکن در طرح «مواد مربوط به مسئولیت دولت»، عنوان «جنایت» یعنی crime، در معنای تخصصی آن، یعنی شدیدترین جرم به صورت آگاهانه به کار رفته است، زیرا گزارشگر ویژه در مقابل آنها به جنحه یعنی delict، که از شدت درجه خطرناکی کمتری در حقوق جزا برخوردار است، اشاره می‌کند. آیا منظور تدوین‌کننده طرح «قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری» از کاربرد crime، شدیدترین نوع جرم است (معنای تخصصی کیفری این عنوان) یا جرم به طور کلی (معنای عام کیفری این عنوان)؟ با توجه به اینکه دوازده جرم احصاء شده در طرح اخیر تحت عنوان crime آمده است، آیا منظور تدوین‌کننده و کمیسیون حقوق بین‌الملل این بوده است که همگی آنها از جمله شدیدترین جرایم بین‌المللی اند و بنابراین از نظر

۴۱. تجاوز قبلاً در قالب قطعنامه ۱۹۷۴ و نیز مقررات منشور سازمان ملل متحد پیش‌بینی شده بود.

۴۲. این موضوع در پاراگراف دوم ماده ۱ منشور سازمان ملل متحد نیز پیش‌بینی شده بود.

۴۳. این جنایات قبلاً در قالب کنوانسیون پیش‌بینی شده بود.

۴۴. برای تفسیر این موارد رک: دیوبوی (پی‌ار-ماری)، جرم بین‌المللی دولت، همان مأخذ.



حقوق کیفری باید جزو «جنایات» قلمداد شوند و رژیم کیفری واحدی نسبت به آنها اعمال گردد؟ به نظر می‌رسد که رعایت نکات فنی از این قبیل که در حقوق جزای داخلی برای تعیین رژیم مسؤلیت کیفری و مجازاتها اهمیت زیادی دارد، در حقوق بین الملل جزا از اهمیت و معنای معادلی برخوردار نباشد؟

بند چهار ماده ۱۹ پیش نویس «مواد مربوط به مسؤلیت دولت»، جنبه بین المللی را چنین تعریف می‌کند: هر عمل بین المللی نامشروع که مطابق با بند دو همین ماده جنایت بین المللی نباشد، جنبه بین المللی را تشکیل می‌دهد». تفکیک اعمال نامشروع بین المللی برحسب اهمیت یا شدت تعهد نقض شده قبلاً در اسناد و آرای قضایی بین المللی مورد توجه قرار گرفته است؛ مثلاً در معاهده کمکهای متقابل ۱۹۲۳ جامعه ملل، جنگ تجاوزکارانه را شدیدترین نوع عمل بین المللی نامشروع و متمایز از سایر اعمال نامشروع بین المللی اعلام می‌کند،<sup>۴۶</sup> بدون اینکه در مقابل استفاده از وصف جنایت نسبت به جنگ، برای سایر اعمال نامشروع خفیف تر وصف جنبه را به کار ببرد. پاراگراف ۳۴ رأی ۱۹۷۰ دیوان بین المللی دادگستری در پرونده بارسلونا تراکشن نیز «به تفکیک عمده .... میان تعهدات دولتها نسبت به جامعه بین المللی در کل آن، و تعهداتی که در مقابل یک دولت دیگر، در چهارچوب حمایت دیپلماتیک به وجود می‌آید» اشاره می‌کند و آثار حقوقی آنها را چنین بیان می‌دارد «... تعهدات اولی به لحاظ ماهیتشان همه دولتها را شامل می‌شوند و با توجه به اهمیت حقوقی آنها، می‌توان کلیه دولتها را محق دانست که خواستار حمایت و پاسداری از این حقوق باشند». <sup>۴۷</sup> لیکن در این رأی، وصفهای جنایت و جنبه بین المللی نسبت به تفکیک به عمل آمده میان «نقض تعهدات مهم برای کل جامعه بین المللی» و «نقض تعهدات در قبال یک دولت دیگر» بکار برده نشده است. و دقیقاً به همین جهت است که انشای ماده ۱۹ و تفکیکی که در آن، میان جنایت بین المللی و جنبه بین المللی

۴۵. رک به مقدمه همین نوشتار.

46. Arechaga (E. J. de), Tanzi (A), op. cit., p. 379.

صورت گرفته، نوآوری کمیسیون حقوق بین الملل محسوب می شود. بدین ترتیب، ارتکاب جنایت بین المللی به کلیه دولتهای عضو جامعه بین المللی مربوط می شود، بدین معنی که حتی اگر تعهد نقض شده که جنایت نام دارد، مستقیماً آنها را متضرر نساخته باشد، حق دارند توقف و قطع آن را خواستار شوند و مسأله مسئولیت بین المللی دولت ناقض تعهد و مباشر جنایت بین المللی را مطرح نمایند، زیرا تعهد نقض شده از نوع تعهدات در مقابل همه کشورهاست<sup>۴۸</sup> و به همین لحاظ باید مشمول رژیم حقوقی متفاوتی از نظر مسئولیت قرار گیرند.<sup>۴۹</sup>

جنبه بین المللی که «عمل نامشروع عادی» نیز توصیف شده است، در واقع تعهد بین المللی نسبت به یک دولت دیگر می باشد که در قالب یک رابطه ذهنی و شخصی دو طرفه متصور می باشد و بنابراین رژیم حقوقی مسئولیت بین المللی ناشی از آن در چهارچوب حقوق کلاسیک مسئولیت قرار می گیرد. در جنبه بین المللی، علاوه بر تخلف نسبت به یک تعهد بین المللی، وجود عنصر دوم یعنی ورود خسارت به دولت دیگر نیز ضروری است<sup>۵۰</sup> و دولتی که مستقیماً از جنبه بین المللی متضرر شده، یعنی در واقع دولت مجنی علیه، باید تقاضای جبران خسارت، ترمیم یا قطع عمل نامشروع بین المللی جنبه را بنماید و نه سایر دولتهای عضو جامعه جهانی.

کمیسیون حقوق بین الملل در قالب ماده ۱۹ طرح مواد مربوط به مسئولیت دولت دو نوع جرم بین المللی، یعنی جنایت و جنبه، به وجود آورده است که هر یک بی تردید متضمن رژیم خاص مسئولیت بین المللی برای دولت مباشر آنها می باشد. لیکن ماهیت رژیم مسئولیت بین المللی

#### 47. Obligations erga omnes.

۴۸. به هنگام تصویب مفاد ماده ۱۹، اعضای کمیسیون بر این اعتقاد بودند که به مفهوم جنایت بین المللی نباید، محتوی و رنگ کیفری در معنای حقوق جزای داخلی داد؛ و از سوی دیگر، این مفهوم را نباید با جرایم حقوق بین الملل که با عنوان جنایت (crime) در یک سلسله معاهدات و اسناد بین المللی پیش بینی شده است از قبیل جنایت جنگی، جنایت علیه صلح، ... قابل انطباق و معادل دانست. زیرا طبق این معاهدات و اسناد بین المللی، دولتها مکلفند افرادی را که مرتکب جرایم مندرج در آنها شده اند برابر قوانین و مقررات کیفری داخلی خود، دستگیر، تعقیب، محاکمه و مجازات کنند.

49. Arechaga (E. J. de), Tanzi (A), op. cit., p. 368.

دولت مرتکب یکی از این دو جرم بین‌المللی و نیز نوع و ماهیت ضمانت اجرای کیفری قابل اعمال نسبت به چنین دولتی را، برحسب اینکه عمل نامشروع بین‌المللی منتسب به آن از نوع جنایت باشد یا جنحه، مشخص نکرده است. ظاهراً کمیسیون این امر را در بخش دوم طرح مواد مربوط به مسئولیت دولت یعنی «محتوی، اشکال و درجات مسئولیت بین‌المللی دولتها» مورد بررسی قرار خواهد داد و ماهیت مسئولیت از نوع جدید و آثار کیفری آن را بعدها تعیین خواهد نمود.<sup>50</sup> شاید بتوان گفت که این موضوع، به لحاظ حساسیت دولتها در رابطه با حاکمیت ملی آنها، از دشوارترین مقوله‌های پیش‌نویس کمیسیون راجع به مسئولیت بین‌المللی دولتهاست و به مناسبت بحث و تبادل نظر درباره محتوی، ماهیت و آثار کیفری آن، دیدگاه‌های عمیقاً متفاوتی از سوی اعضا کمیسیون که در نهایت نمایندگان دولتهای متبوع خود هستند ابراز خواهد شد. به نظر می‌رسد که ماهیت مسئولیت بین‌المللی دولت مباشر جنحه بین‌المللی، مدنی باشد و چنین دولتی صرفاً مکلف به ترمیم خسارت و اعاده وضع به حالت سابق باشد؛ لیکن در خصوص جنایت بین‌المللی، عده‌ای از نویسندگان معتقدند که با توجه به اینکه بخش دوم طرح مسئولیت دولتها که مربوط به اشکال مختلف مسئولیت می‌باشد هنوز توسط کمیسیون تدوین و تصویب نشده و با عنایت به عدم صراحت مذاکرات و مباحثات کمیسیون پیرامون ماده ۱۹ می‌توان گفت که مسئولیت بین‌المللی جدید دولتها ناشی از ارتکاب جنایت بین‌المللی، از نوع کیفری نیست، زیرا مسئولیت کیفری بین‌المللی در حقوق بین‌الملل جزای موجود هنوز محدود به افراد است،<sup>51</sup> یعنی حتی اگر فرد به نام یا به عنوان کارگزار یا عامل یا نماینده دولت متبوع خود مرتکب جنایت بین‌المللی موضوع ماده ۱۹ گردد، مسئولیت کیفری بین‌المللی برای او ایجاد خواهد شد و نه مسئولیت کیفری دولت. لیکن محاکمه و مجازات کارگزار یا نماینده یک دولت در رابطه با جنایت بین‌المللی ارتكابی که در نهایت قابل انتساب به دولت باشد،

50. Dupuy (P.- M.) le fait générateur de la responsabilité des Etats, op. cit., p. 44.  
 51. Stern (B), op. cit., p. 339.

چنین دولتی را از پرداخت یا ترمیم خسارات یا اعاده وضع به حالت عادی مبری نمی کند و مسئولیت مدنی بین المللی دولت متخلف نه فقط در قبال دولت متضرر یا مجنی علیه، بلکه در مقابل کلیه دولتهای عضو جامعه بین المللی به قوت خود باقی است.

### نتیجه گیری

معاهده صلح و رسای و همچنین ابتکار قضایی کیفری متفقین علیه آلمان و ژاپن سنگ بنای نهاد حقوقی مسئولیت بین المللی دولتها محسوب می شوند. متعاقب آن، حقوق بین الملل عمومی، اصول و ابزارهای حقوقی را درباره اعمال نامشروع بین المللی دولتها در قالب تدوین و تصویب معاهدات مختلف ایجاد کرده، لیکن هیچ قاعده حقوقی واحدی - آنطور که در حقوق جزای داخلی معمول می باشد - در خصوص مسئولیت کیفری دولتها پیش بینی نکرده است.

در طرحهای کمیسیون حقوق بین الملل - به ویژه در پیش نویس مواد مربوط به مسئولیت دولت - جنایت بین المللی از جنحه بین المللی تفکیک شده است، لیکن موضوع مسئولیت کیفری دولتهای مباشر جنایت بین المللی و آثار کیفری آن برای چنین دولتهایی مسکوت گذاشته شده است. این سکوت حاکی از وجود موانعی بر سر راه مأموریت کمیسیون حقوق بین الملل در تأسیس نهاد مسئولیت کیفری بین المللی دولت بوده است: مانع اول ناشی از نهاد بین المللی دیگری یعنی «حاکمیت ملی دولتها» بوده است.

این نهاد، در مقیاس وسیع تر، یکی از علل اصلی بطئی بودن توسعه و تدوین حقوق بین الملل عمومی به شمار می آید، لیکن تأثیر کند کننده آن در توسعه حقوق بین الملل جزا محسوس تر و شدیدتر است: در واقع، برای اکثر دولتهای عضو سازمان ملل متحد، تصور اینکه روزی به اتهام ارتکاب جنایت بین المللی در یک دادگاه کیفری بین المللی به استناد قانون

بین الملل جزا که خود در قالب معاهده یا سند بین المللی دیگری ایجاد و تصویب کرده باشند محاکمه، محکوم و در نهایت مجازات شوند بسیار دشوار و غیرقابل قبول است. جنبه ترهیبی مجازات ناشی از اجرای مسؤلیت کیفری بین المللی و جنبه تزدیلی و تقبیحی محکومیت کیفری در سطح بین المللی، بی تردید باعث شده تا دولتها ترجیح دهند همچنان در حصار حاکمیت ملی خود باقی بمانند. از سوی دیگر تصور اراده و قصد مجرمانه و وجود عنصر مادی، به ویژه در جرایم علیه اشخاص که ارتکاب آنها نیاز به نیروی فیزیکی دارد، برای دولت و نیز اعمال مجازاتهای ترهیبی (مثلاً مجازات سالب آزادی، مجازاتهای بدنی) به آن، به عنوان یک شخص حقوقی، نیز دشوار است،<sup>۵۲</sup> بنابراین انتساب ارتکاب جنایت بین المللی به دولت، از طریق عامل انسانی واسطه میان دولت و جنایت

۵۲. در خصوص مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی رک:

Pradel, (Jean), Droit pénal, Ed. Cujas, Paris, 1984, pp.415- 466;

گفتنی است که ماده ۱۲۱.۲ قانون جزای جدید فرانسه، مصوب ژوئیه ۱۹۹۲ که از اول مارس ۱۹۹۴ به اجرا گذاشته شده است، مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی موضوع حقوق خصوصی و حقوق عمومی، بجز دولت را بیش بینی کرده است. این اشخاص فقط برای جرایمی که در قوانین و مقررات صراحتاً ذکر شده است و بوسیله عاملین یا نمایندگان آن اشخاص و به حساب آنها ارتکاب می یابند، مسؤلیت کیفری خواهند داشت.

مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی، موجب زوال مسؤلیت کیفری اشخاص حقیقی - مباشر یا شریک - در ارتکاب همان جرم یا جرایم نمی شود. بدین ترتیب امکان ایجاد مسؤلیت کیفری و نتیجتاً مجازات برای اشخاص حقوقی و حقیقی به طور همزمان وجود دارد. علاوه بر جرمه که به عنوان مجازات در کلیه موارد نسبت به اشخاص حقوقی قابل اعمال است، کیفرهای دیگری نیز پیش بینی شده است که قانون باید در مورد هر جرم ارتکابی، نوع و میزان آنها را مشخص کند. از قبیل: انحلال، ممنوعیت ادامه فعالیت، تحت نظارت قضایی قرار گرفتن، ممنوعیت شرکت در مزایده ها یا مناقضات دولتی به طور موقت یا دائم، ضبط و توقیف اموال، انتشار رأی محکومیت در رسانه های گروهی... (مواد ۱۳۱.۳۷ تا ۱۳۱.۴۹).

در خصوص مسؤلیت کیفری بین المللی دولت رک: حسینی نژاد (دکتر حسینی)، حقوق کیفری بین المللی، انتشارات میزان، ۱۳۷۳؛ فرانسوین (ژاک)، جنایات جنگ و جنایات علیه بشریت، ترجمه دکتر محمدعلی اردبیلی، مجله حقوقی، شماره ۷، سال ۱۳۶۵، ص ۲۳۱ و بعد. همچنین رک:

Huet (A), Koering-Joulin (R), Droit pénal international, Ed. PUF, Paris, 1994.

بین المللی ارتكابی، یعنی نماینده، کارگزار یا رئیس دولت و حکومت که در مقام تحقق نیت و نقشه های دولت متبوع خود مرتکب عمل نامشروع بین المللی شدید شده است، ممکن به نظر می رسد و بنابراین مسؤلیت کیفری بین المللی شخص عامل دولت و بنابراین مجازات وی جنبه عملی دارد.

مانع دیگر را که به طور کلی برای توسعه و تکوین قواعد و مقررات حقوق بین الملل عمومی نیز صادق است، باید در ماهیت نظم بین المللی سابق، مبتنی بر نظام دو قطبی، جستجو کرد. اکثر معاهدات بین المللی و به ویژه کلیه طرحهای کیفری کمیسیون حقوق بین الملل - از جمله پیش نویس مواد مربوط به مسؤلیت بین المللی دولت - در هنگامه جنگ سرد و رقابت نظامی - سیاسی - ایدئولوژیک دو ابرقدرت سابق تدوین شده است. آیا سیاست کنونی حاکم بر کمیسیون، پس از فروپاشی نظام دو قطبی و پایان جنگ سرد، با سیاستهای پیشین آن متفاوت خواهد بود؟ آیا نظم بین المللی کیفری به صورتی که در طرحهای کمیسیون حقوق بین الملل مورد بررسی و تصویب موقت قرار گرفته است، از عوامل مؤثر در پیدایش و پاسداری از نظم نوین بین المللی که این روزها بحث محافل سیاسی - دانشگاهی است، نخواهد بود؟ این پرسشها را آینده پاسخ خواهد داد.

لیکن خلأئی که پیش از پیش در سطح جهانی احساس می شود، فقدان یک نظام بین المللی کیفری متحد، منسجم، مؤثر و عملی است. این وضعیت بیش از گذشته زمینه های مساعدی را برای دولتهای «مجرم» و «جنایتکار»، به معنای خاص کلمه، فراهم آورده است. این قبیل دولتها با اطمینان از عدم کارایی ابزارهای حقوقی کیفری حقوق بین الملل موضوعه به ارتکاب جنایات بین المللی در گوشه و کنار جهان ادامه می دهند. کثرت این نوع جرایم بین المللی و عدم مجازات مباشران آنها، باعث شده است تا افکار عمومی جهان به تدریج از خبر ارتکاب آنها شگفت زده نشود و به عبارتی، به دریافت روزانه این نوع خبرها خو گرفته باشد. آیا این خود دلیلی بر شکست رسالت اصلی حقوق بین الملل نیست؟ آیا این موضوع

دلیلی بر غیرقابل انتقال بودن نظام کیفری داخلی و مفاهیم حقوقی آن در سطح جهانی و در نظام بین المللی کیفری نیست؟ آنچه که با اطمینان می توان ادعا کرد این است که فرآیند توسعه و تکوین حقوق بین الملل جزا در نیم سده گذشته، علیرغم گامهای مهمی که کمیسیون حقوق بین الملل، به ویژه طی سالهای اخیر، در جهت ابزارمند و کارا ساختن آن برداشته، تدریجی و بسیار کند بوده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان کالج علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی